

## باغ مزار موقوفه بش قارداش

رقبته زعفرانلو

### مقدمه

مرگ همزاد آدمی است. شاید به همین دلیل باشد که دفن مردگان موضوعی است که در میان همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در طول تاریخ، قابل مشاهده است. از ابتدایی‌ترین اجتماعات بشر، در عصر پیش از تاریخ تا عصر حاضر هیچ تمدن یا فرهنگی را نمی‌توان یافت که دفن اموات در آنها وجود نداشته باشد و یا بعد از مرگ، بستگان مرده مراسمی نداشته باشند. حال چه دفن متوفی باشد، چه گذاشتن جسد در هوای آزاد و دفن استخوان‌های وی و چه سوزاندن اجساد و نگهداری خاکستر آنها.

انسان اولیه در گذشتگان خود را ابتدا در کف غارهای محل سکونت و در مراحل بعدی و تشکیل روستاهای پیش از تاریخ در کف واحدهای مسکونی خود دفن می‌کرد. در دوره‌های بعدی در خارج از روستاها محل مخصوصی به عنوان گورستان در نظر گرفته شد و در طول تاریخ با پیشرفت جوامع بشری و تطور فرهنگ‌ها، آیین‌های دفن اموات و به تبع آن سوگواریها، به بخشی از عناصر تشکیل دهنده فرهنگ‌ها تبدیل شد. در جوامع ابتدایی اعتقاد به زندگی پس از مرگ و سلسله مراتب و جایگاه اجتماعی متوفی، نقش مهمی در چگونگی تدفین مردگان داشته است. پس از گسترش دین زردستی در ایران در طول دوران تاریخی، چون این دین عناصر اربعه (آب، خاک، باد و آتش) را مقدس می‌داند پیروانش برای جلوگیری از آلودگی خاک، اجساد در گذشتگان را در بالای ارتفاعات می‌گذاشتند و پس از آنکه گوشت مردار متلاشی می‌شد و از بین می‌رفت، استخوان‌ها را جمع‌آوری کرده و در شکاف کوه‌ها و یادخمه‌هایی که به همین منظور ایجاد می‌کردند، می‌نهادند (استودان = استخوان‌دان، گوردخمه). نمونه‌هایی از این گوردخمه‌ها از دوره‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی شناسایی شده است.

در فرهنگ و تمدن اسلامی دفن اموات از اهمیت بالایی برخوردار است و تابع مسائل فقهی و احکام ویژه‌ای است. ساخت آرامگاه و بنای یادبود برای شخصیت‌های مذهبی و به

ندرت سیاسی از جمله مسائل قابل تأمل در این دوران می باشد.

در این مقاله باغ مزار موقوفه بش قارداش که مدفن سردار مفخم شادلو از صاحب منصبان اواسط دوره قاجار در بجنورد است، معرفی شود.

### واژگان کلیدی

بجنورد، باغ مزار، بش قارداش، سردار مفخم، یار محمدخان سهام الدوله.

موقعیت جغرافیایی شهرستان بجنورد

شهرستان بجنورد مرکز استان خراسان شمالی در «طول جغرافیایی ۵۷ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۲ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۸ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه واقع شده است»<sup>۱</sup>.

این شهرستان از شمال به کشور ترکمنستان، از شرق به شهرستان شیروان، از جنوب شرق به شهرستان اسفراین، از جنوب غرب به شهرستان جاجرم و از غرب به استان گلستان محدود است.

موقعیت مکانی باغ مزار بش قارداش

این باغ در دامنه کوهی در «شش کیلومتری جنوب شهر بجنورد و در کنار جاده بجنورد - اسفراین...»<sup>۱</sup> قرار دارد (تصویر ۱). در این باغ استخرهایی وجود دارد که آب آنها از چشمه های جوشان از دل کوه ها تامین می شود.

وجه تسمیه بش قارداش

در مورد وجه تسمیه بش قارداش دو نظر وجود دارد، بر اساس نظر اول «... در زمان [حمله] مغول، پنج نفر از اهالی در شکاف های کوه توانسته اند برای مدت زیادی با سپاه مغول بجنگند و بالاخره کشته شدند... با ورود هلاکوخان به بجنورد و اسکان طایفه ترک زبان... در این شهرستان، چون گمان می رفته این پنج نفر برادر بوده اند این محل به بش قارداش (پنج برادر) مشهور شده است»<sup>۲</sup>. نظر دیگری هم وجود دارد که این عبارت اسمی را متشکل از سه کلمه ترکی «بش + قار + داش» یعنی «پنج غار سنگی که از دهانه آن آب بیرون می ریزد» می داند.

اشاره ای مختصر به سابقه ساخت آرامگاه ها در ایران

در مجموع واژه آرامگاه یا مقبره و مزار به بنایی اطلاق می شود که یک شخصیت سیاسی یا مذهبی را در خود جای داده باشد. هدف از ساختن این بناها علاوه بر نشان دادن وفاداری بانیان بنا، بزرگ نمایی و یا تقدیس متوفی نیز بوده است. از ایران قبل از اسلام نمونه هایی از مقابر و آرامگاه ها شناخته شده که از مهم ترین آنها می توان به آرامگاه های پادشاهان هخامنشی در پاسارگاد و نقش رستم اشاره کرد. در سده های نخست و میانه اسلامی نیز برای امیران و بزرگان دولتی مقبره ساخته می شد. آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در بخارا، مقبره سلطان سنجر در مرو، گنبد کابوس، گور امیر در سمرقند، گنبد سلطانیه و... نمونه هایی از این مقابر هستند. اما در دوران متأخر، معماری ایران کمتر شاهد چنین بناهایی بوده است که شاید رسمیت یافتن مذهب تشیع دلیل این امر باشد. در دوره صفویه با توجه به سیاست مذهب گرایی شاهان این سلسله، بازسازی و یا وسعت دادن به بقاع متبرکه و عتبات عالیات در کانون توجه قرار گرفت و چه بسا که شاهان این سلسله آرمیدن در گوشه ای از این بقاع را آرزویی بزرگ جلوه می دادند. دلیل دیگری که در کاهش یافتن ساخت مقابر شخصیت های دولتی مؤثر به نظر می رسد، توجه شاهان دوران متأخر اسلامی به زندگی دنیایی است. یعنی با افزایش یافتن ساخت کاخ ها و

عمارت‌ها از اهمیت این نوع مقابر کاسته شد. در مقابل بناهایی که شخصیت‌های مذهبی نظیر ائمه، امامزاده‌ها، عرفا و... را در خود جای داده‌اند تا به امروز نیز اهمیتشان را حفظ کرده‌اند.

### باغ مزار

«نوعی باغ است که غالباً تمام یا بخشی از عرصه آن به مزار اختصاص می‌یافت. درباره علل و فلسفه پیدایش باغ مزار و همچنین روند شکل‌گیری آن در ایران مطالعات کافی صورت نگرفته است. بر اساس شاهنامه فردوسی می‌توان حدس زد که در برخی از مناطق کشور در دوران باستان و در دوره‌هایی که دفن اجساد ناپسند دانسته نمی‌شد، احتمالاً نوعی باغ - مزار وجود داشته است». «... آشکار است که آرامگاه کوروش که در سطحی بلندتر از سطح زمین قرار گرفته و شکل حجمی آن بی‌شبهت به زیگورات نیست، در میان فضایی باز و احتمالاً در میان باغی قرار داشته که از فاصله دور قابل مشاهده بوده است». از باغ مزارهای پس از اسلام می‌توان به باغ پیروزی در غزنین اشاره نمود که سلطان محمود غزنوی در آن دفن است، همچنین مزار سلطان سنجر در مرو نیز بر اساس برخی منابع در میان باغی قرار داشته است. «بر اساس اسناد موجود از دوره ایلخانان به بعد ساختن مزار و نیز باغ - مزار بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت. البته به نظر می‌رسد بیشتر باغ‌مزارهایی که در ایران وجود دارند ابتدا به شکل یک باغ و در مواردی یک مزار مورد استفاده قرار می‌گرفتند و سپس تغییر شکل می‌یافتند و به باغ مزار تبدیل شدند».

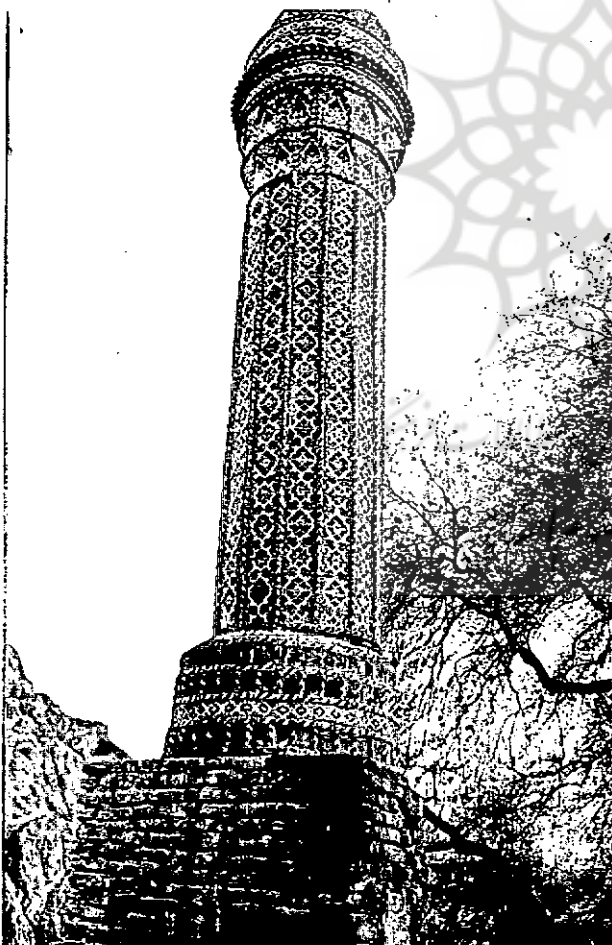
«باغ مزار چه نوع آرامگاهی است و چرا برخی را در یک باغ به خاک می‌سپردند؟ در پاسخ به این سؤال باید توجه داشت که باغ همیشه بهترین الگوی فضایی برای زیست و محیطی آرمانی و رؤیایی برای سکونت انسان بوده است... بر اساس اعتقادات دینی در ادیان الهی، انسان‌های مؤمن و درستکار در آخرت به باغ بهشت راه خواهند یافت.

بهشت از لحاظ برخی ویژگی‌های محیطی مانند باغی بسیار خوب و عالی و البته همیشه پایدار و جاوید توصیف شده است. بنابراین شاید بتوان سنت ساختن آرامگاه در یک

باغ را بازتاب آرزوی انسان‌ها برای رفتن به بهشت جاوید در آخرت دانست و این



تصویر ۱. موقعیت مکانی باغ مزار بیش قارداش



تصویر ۲. تزئینات کاشی‌کاری نمای مناره قریشی بنا

سنت یکی از روش های دفن معدودی از افراد در ایران باستان و در دوران اسلامی بوده است<sup>۱</sup>.

### نگاهی به وقف نامه

باغ مزار بش قارداش مجموعه ای است آرامگاهی که با توجه به مفاد سنگ نوشته ای که متن وقف نامه در آن آمده توسط «یارمحمدخان سردار مفخم شادلو» در اواخر دوره قاجار به جهت آرامگاه وی و خانواده اش وقف شده است.

واقف به منظور تعمیر و مرمت بقعه ای که قبور را در برمی گیرد، محصول و درآمد سالیانه «دوزوج» از املاک خود را به همراه یک قطعه باغ مشجر واگذار نموده است که نظارت بر امور این موقوفه به روال معمول تا زمان حیات واقف با خود وی و بعد از فوت واقف، تولیت آن به فرزند بزرگ خانواده واگذار شده که این روال نسل به نسل، از وظایف فرزند ارشد این خاندان، تعیین شده است.

در پایان نیز، قید شده که هیچ کس حق ندارد دیناری از درآمدهای حاصله از موقوفه مذکور را در راه دیگری هزینه کند و همچنین حق دفن افراد دیگر در این محل وجود ندارد مگر با موافقت متولی.

از نکات جالب توجه، در متن شرح حال سردار مفخم این است که وی متذکر شده در این بقعه، هیچ یک از پیامبران یا امامان معصوم یا فرزندان آنها دفن نشده اند. به نظر نگارنده این مطلب حاکی از روشن بینی و دقت نظر واقف بوده است. نکته دیگر موضوع متولیان مجموعه می باشد که شرط اصلی صرفاً فرزند ارشد بودن تعیین شده و در مورد جنسیت فرزند ارشد تأکیدی نشده است، چون معمولاً روال بر این بوده که تولیت نسل به نسل به فرزند ذکور واگذار می شده است.

متولیان این مجموعه از ابتدا تا حال حاضر، بعد از شخص واقف، بدین قرار بوده اند:

۱. عزیزالله خان شادلو، ۲. خسروخان شادلو،
۳. در حال حاضر نیز دکتر امان الله شادلو وظیفه تولیت را برعهده دارند.
- اراضی و املاک موقوفه اکنون، در اجاره شهرداری بجنورد است که مبلغ مال الاجاره صرف تعمیر و نگهداری آرامگاه و پرداخت حقوق نگهبان مجموعه می شود.
- بش قارداش از گذشته تاکنون یکی از تفرجگاه های مهم شهر بجنورد بوده که در طول شبانه روز پذیرای مراجعان زیادی است و با عنایت به اینکه در کنار جاده محور بجنورد- اسفراین قرار دارد، از قابلیت های بالایی برای جذب گردشگر برخوردار است.



تصویر کنای ضلع غربی بنا با طاق های جناغی

### معرفی معماری و بنای مزار بش قارداش

این بنا از یک اتاق مرکزی گنبددار (اتاق مقبره) و دو اتاق جانبی تشکیل شده است. (تصویر ۱) در مقابل هر

اتاق نیز ایوانی با طاق جناغی قرار گرفته است. ورودی بنا در ضلع غربی آن واقع شده و چهار مناره با تزیینات کاشی کاری این ضلع بنا را مزین کرده‌اند. (تصاویر ۲ و ۳) اتاق مقبره با ابعاد ۵/۷۵×۵/۷۵ متر ساخته شده و قبر سردار مفخم در داخل آن قرار دارد که بر سنگ قبر آن تاریخ ۱۳۲۱ ق به چشم می‌خورد.

در چهار گوشه این اتاق، سه‌کنجهایی فضای مربع را به ساقه گنبد مرتبط کرده‌اند. ابعاد اتاق‌های جانبی ۲/۳۵×۳/۱۳ متر است. دو مناره میانی با ارتفاع حدوداً ۱۲/۵ متر بلندتر و مناره‌های جانبی با ارتفاع حدوداً ۱۱ متر، کوتاه‌تر هستند

(تصویر ۳). گنبد بنا از نوع دو پوسته و دارای کاشی کاری است.

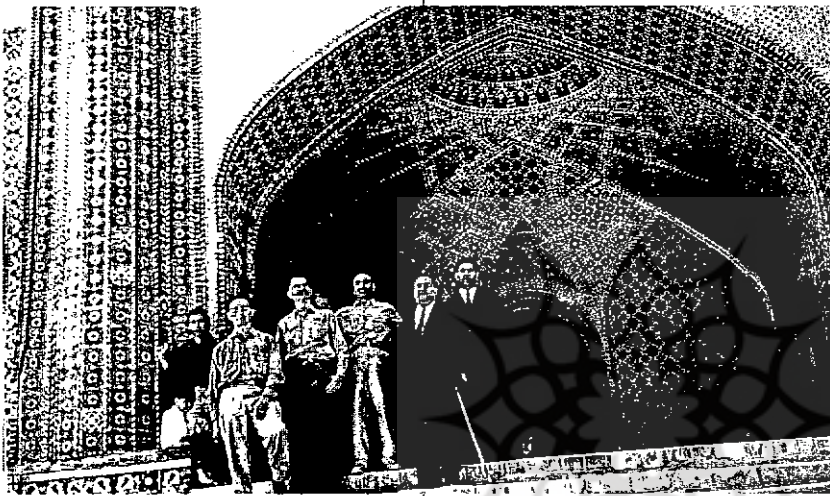
تزیینات نمای بیرونی بنا شامل کاشی کاری نمای ایوان‌ها، بدنه مناره‌ها و گنبد بناست. بخش عمده‌ای از این کاشی‌ها که از نوع هفت رنگ و دارای نقوش هندسی بوده‌اند، تخریب شده‌اند.

با استناد به قول معمرین محلی و همچنین عکس‌های قدیمی، ایوان‌ها دارای کاشی کاری‌های زیبایی بوده‌اند که بعدها، بخش زیادی از آنها تخریب و یا از محل برده شده‌اند. (تصویر ۴) در حال

حاضر این قسمت‌ها فاقد تزیین هستند.

تزیینات داخلی بنا تنها به اتاق مقبره اختصاص دارد. از آره دیوارهای اتاق مقبره تا ارتفاع ۱۵۰ سانتی متر با سنگ مرمر نه چندان مرغوب پوشش یافته است. فضای داخلی گنبد و سه‌کنجه با تکنیک مقرنس کاری تزیین شده است. (تصویر ۵) در حد فاصل بین سه کنجه، در هر یک از اضلاع چهارگانه اتاق مقبره، یک طاق نمای هلالی تزیینی ایجاد شده بر روی آنها نقوش گیاهی با تکنیک گچ‌کاری قالبی و بقایای تزیینات آینه‌کاری به چشم می‌خورد. به گفته آگاهان محلی، در داخل قاب‌های گچی خالی کنونی، زمانی عکس‌هایی از شاهان قاجار و خوانین شادلو وجود داشته است. بالای آزاره مرمری، ردیف کاشی‌هایی از نوع

کاشی‌های هفت‌رنگ دوره قاجار با نقوش اسلیمی به رنگ‌های زرد، سیاه، آبی و سفید تعبیه شده است. قبلاً در حد فاصل بین آزاره مرمری و این کاشی‌ها، ردیف کاشی‌هایی وجود داشته که از مقبره «علی بن مهزیار» جاجرم به این محل منتقل



تصویر ۴: تزیینات کاشی کاری نمای ایوان قبل از تخریب



تصویر ۵: نمایی از مقرنس کاری سه‌کنجه‌ها

شده‌اند. در حال حاضر این کاشی‌ها در گنجینه هنرهای اسلامی تهران نگهداری می‌شوند. (تصویر ۶)

زمانی در ضلع غربی اتاق مقبره در منبت‌کاری زیبایی از چوب صندل قرار داشته که اکنون از بیم دستبرد در محل دیگری نگهداری می‌شود. بالای در، این بیت‌کنده‌کاری شده است:

این بقعه چون جنت وین قبه پر نور  
از حضرت سردار مفخم شده معمور

### سنگ نوشته‌های مقبره سردار مفخم

در داخل اتاق مقبره سه لوح سنگ نوشته وجود

دارد که یکی سنگ قبر سردار مفخم است و دو تای دیگر در دیوار شرقی اتاق مقبره نصب شده‌اند. یکی از این سنگ‌ها در مورد شرح حال سردار مفخم و دیگری در مورد موقوفات این بقعه است.

### ۱. متن سنگ قبر سردار مفخم (تصویر ۷)

کتیبه میانی این سنگ به خط نسخ نوشته شده که به دلیل شکستگی و همچنین سایش برخی قسمت‌ها، امکان خواندن آن به طور کامل میسر نشد ولی تاریخ ۱۳۲۱ ه. ق روی آن مشهود است.

در حاشیه سنگ نیز کتیبه‌ای به خط ثلث نوشته شده که متن آن شامل نثار صلوات بر پیامبر و اهل بیت ایشان است.

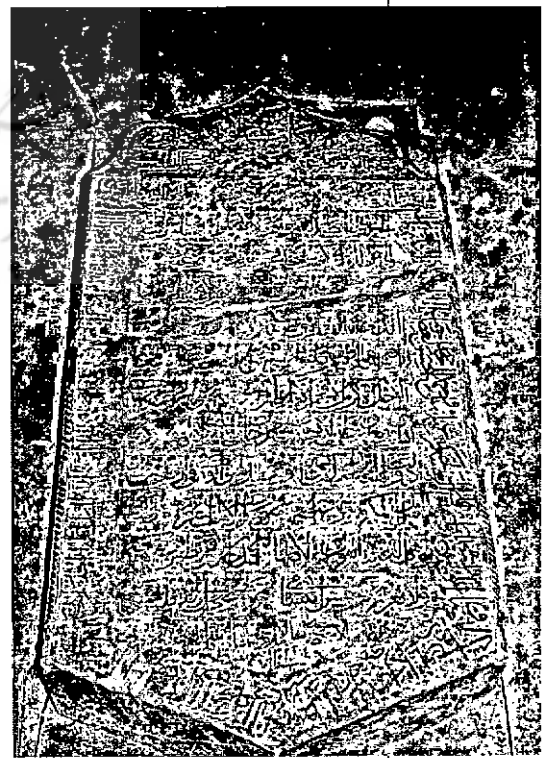
### ۲. متن سنگ نوشته شرح حال سردار مفخم (تصویر ۸)

کل شیء هالک الا وجهه

در سنه ۱۲۵۴ از عدم به وجود آمده، بعد از انقضای پانزده سال مشغول خدمت دولت و ملت شدم. چه شبانه روزها در زیر برف و باران و در روی سنگ و گل، محض حفظ بندگان خداوند منان، به سر بردم قریب دو هزار نفر اسیر از دست ترکمانان وحشی خلاص کردم و در ازای این زحمات خداوند در نعمات خود را بر رویم باز کرد. از ثروت و اعتبار و عزت و غیره عطا فرمود که در اداء شکر او عاجزم. در سنه ۱۳۲۰ سیاحتی کامل در تمام اروپا کردم کم ماند از اسرار که مفهوم نشد. دیگر هیچ آمال و آرزویی در عالم ندارم منتظرم که ندای منادی «ارجعی الی ربک» را بشنوم. پس عدم کردم چون ارغنون / گویدم که انا الیه راجعون. مخفی نما نادکه در این بقعه احدی از انبیاء یا از ذریه اولیاء و معصومین مدفون نیست محض مقبره خود تعمیر نمودم. یار محمد. شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۲۰.



تصویر ۶. تصویر قسمتی از کاشی‌های مقبره «علی بن مهزیار»



تصویر ۷. سنگ قبر سردار مفخم

۳. متن سنگ نوشته شرح موقوفات مقبره

هو المالك الملك

این بقعه چون جنت وین قبه پر نور

از حضرت سردار مفخم شده معمور

وقف مؤید نمودند حضرت مستطاب اجل اکرم، یار محمدخان سردار مفخم ایلخانی شادلو و فرمانروای ممالک بجنورد و استرآباد و جرجان و اسفراین و جاجرم مدظله دو زوج ملک متصرفی خود را مع یک قطعه باغ مشجر که مشروب می شود از آب چشمه معروف به بش قارداش. محدود است به حدود اربعه جنوباً متصل به ملک ملاحسن و اسماعیل خان، غرباً به رودخانه، شمالاً به قلعه امر و شرقاً به دامنه الی کوه، با این عماره بقعه سردار به که مدفن خود قرار داده اند و همه ساله محصول این ملک و باغ باید مصارف عمراتی و تعمیرات بقعه شود. در زمان حیات، نظارت آن با خود جناب معظم الیه می باشد. بعد از فوت تولیت آن با ارشد اولادشان جناب میرداماد العظام عزیزالله خان سهام الدوله، امیر تومان دامه اجلاله که بعدها نسل به نسل، ارشد اولاد این خانواده معظم الیه خواهد بود و احدی را حق هبه و دیناری نیست که در راه دیگر از منافع موقوفه مزبوره به مصرف برسانند. مخفی نماند که احدی را حق دفن شدن در میان بقعه و ایوان و اطراف عمارت نیست الا به اجازه متولی. شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۱۵ ق».

قدمت بنای مقبره

ناصرالدین شاه قاجار در شرح سفر دوم خویش به خراسان (۱۳۰۰ق)، از این محل توصیفی نموده که نشانگر وجود بنایی قدیمی تر از بقعه فعلی، در این مکان است: «... شش هفت چنار کهنه قوی سالخورده هم در اطراف چشمه سایه انداخته بود. گنبدی هم بود که تمام خراب شده و همان گردی زیرش باقی

و نمایان بود که آنجا مشهور به بش قارداش است یعنی پنج برادر. کردهای شادلو سکنه اینجاها خیلی اعتقاد به این پنج برادر دارند و به سهام الدوله حکم شد گنبد سر مقبره آنها را از نو بسازد».

کلنل بیت نیز که در زمان حیات سردار مفخم شادلو به بجنورد سفر کرده است، در سفرنامه خود ذکر کرده در آن زمان، سهام الدوله در حال ساختن مقبره ای در محل چشمه بش قارداش بوده است. در مورد انگیزه سردار مفخم به ساخت این بنا آورده: «... او می گفت که دوست دارد در اینجا به خاک سپرده شود و کوچکترین علاقه ای ندارد تا همچون پدران خود در مشهد یا کربلا دفن گردد»...». بنابراین بی دلیل نیست که گروهی از آگاهان محلی، برای این محل جایگاهی حماسی قائل هستند. بنای کهنی که



تصویر ۸. سنگ نوشته شرح حال سردار مفخم

در این محل وجود داشته بی شک در نزد اهالی از تقدس و احترام برخوردار بوده است. سردار مفخم نیز پس از آنکه از سوی شاه قاجار، ملزم به تعمیر این بنا می شود، تصمیم می گیرد به بازسازی و اعاده شکوه پیشین آن اقدام و در ضمن از این محل به عنوان مقبره و مدفن خود استفاده نماید تا بدین ترتیب یاد و خاطره دوران خدمات خویش به خطه بجنورد را برای همیشه در دل و اذهان مردم منطقه ماندگار سازد.



تصویر ۹. نمایی از بناغ و مزار بش قارداش (مأخذ: google earth)

از دیگر افرادی که در این مقبره دفن می باشند خاوربی بی شادلو، خواهر سردار مفخم قابل ذکر است.<sup>۱۱</sup> همچنین بیژن خان و شاپورخان شادلو از آخرین کسانی هستند که در این بقعه دفن شده اند. مقبره سردار

مفخم، در دهه های گذشته، روند تخریبی سریعی را پشت سر گذاشته به ویژه تزیینات کاشی کاری آن آسیب های جبران ناپذیری دیده است. در سال های اخیر، طرح مرمت این مقبره توسط کارشناسان میراث فرهنگی و با حمایت مالی دکتر امان الله شادلو، یکی از نوادگان سردار مفخم، اجرا شد. فعالیت های مرمتی در جهت استحکام بخشی و مرمت بنا و همچنین تزیینات کاشی کاری و گچ کاری آن بوده است. فضای سبز و استخرهای محوطه اطراف نیز توسط شهرداری بجنورد، احیا و بازسازی شده، به گونه ای که امروزه این محل به یک مجموعه فرهنگی و تفریحی ارزشمند و پرجاذبه گردشگری تبدیل شده است. (تصویر ۹ و ۱۰)

اشاره ای کوتاه به زندگی یارمحمدخان شادلو (۱۲۵۴- ۱۳۲۲هـ.ق): (تصویر ۱۱)

یارمحمدخان برادرزاده حیدرقلی خان سهام الدوله، در سال ۱۲۸۸ قمری به لقب سهام الدوله نایل شده و جانشین عمویش شد.<sup>۱۲</sup> «یارمحمدخان... حدود سی و دو سال با نهایت اقتدار در بجنورد و نواحی مجاور آن که گاهی حدود بهشهر تا نیشابور را در بر می گرفت حکومت کرد. حداقل حوزه حکومتی او شهرستان های فعلی بجنورد و اسفراین و قسمت شرقی شهرستان گنبدکنونی یعنی محل سکونت طوایف ترکمن گوگلان بود».

«یارمحمدخان سهام الدوله، که بعد لقب سردار مفخم گرفت... به علت لیاقت و شایستگی که داشت، حکومت استرآباد نیز به او واگذار شده بود».<sup>۱۳</sup> اما در سال ۱۳۰۴ قمری به دلیل ناامنی هایی که ترکمانان بجنورد و استرآباد ایجاد می کردند، از حکومت



تصویر ۱۰. نمایی از بناغ بش قارداش (مأخذ: google earth)



استرآباد معزول شد. سهام الدوله دو سفر به تهران داشته، یکی در سال ۱۳۰۷ ه. ق.

دیگری در ۱۳۱۲ ه. ق. همچنین در سال ۱۳۱۹ ه. ق. به اروپای شرقی سفر کرده و ممالک، روسیه، عثمانی، بلغارستان، مجارستان، صربستان و اتریش را دیده است. «انگیزه مسافرت نخستین سهام الدوله به تهران، ظاهراً به علت شکایت امیرحسین خان شجاع الدوله ایلخانی حاکم قوچان به ناصرالدین شاه بود، از این بابت که سهام الدوله را متهم به تحریک ترکمن های حوزه حکومتی خود برای غارت و کشتار طایفه میلانلوی قوچان کرده بود و سهام الدوله از حکومت استرآباد معزول و به تهران احضار شده بود»<sup>(۱۷)</sup>.

در جریان سفر دوم سردار مفخم به تهران، ناصرالدین شاه حکومت مجدد استرآباد را به وی پیشنهاد کرد، زیرا خانوارهای یموت و گوگلان که در آن نواحی زندگی می کردند، هنوز هم مشکل ساز بودند و کسی از رجال ایران حاضر به پذیرفتن حکومت استرآباد نبود. سردار مفخم نیز با زیرکی از قبول این مسئولیت شانه خالی کرد.

یارمحمدخان در سفر سوم خود قصد داشت با گذر از خاک روسیه و امپراتوری عثمانی، به مکه

مشرف شود ولی با اطلاع از شیوع بیماری و با از این کار منصرف شد و سفر خود را به سوی اروپای شرقی ادامه داد<sup>۱۸</sup>. شیوه نگارش سفرنامه هایش و مسائلی که از مسیر مسافرت های خود بیان می دارد، نشان می دهد که وی شخصی آگاه و آشنا با مسائل زمان خود بوده است.

از جمله رجالی که در زمان او به بجنورد سفر کرده اند، «ناصرالدین شاه قاجار»، «محمدحسن خان اعتمادالسلطنه»، «رضا ارفع» و از میان اروپاییان «کلنل مک گرگور»، «هنری موزر» و «کلنل چارلز بیت» را می توان نام برد. همه آنها آگاهی، هوش و خصایص نیکوی سردار مفخم و آبادانی ای را که از این میان نصیب بجنورد شده بود ستوده اند. بناهای آینه خانه، عمارت مفخم و بیش قارداش نمونه های برجای مانده از ابنیه ای هستند که وی در بجنورد، مرکز حکومت خویش، بنا نهاد.



تصویر ۱۱. سردار مفخم شانلو (یارمحمدخان سهام الدوله)

## منابع و مأخذ

۱. صادقی، سلیمان، جغرافیای شهرستان بجنورد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی ۱۳۷۳، ص ۱۷.
۲. سیدی زاده، احسان و علی اکبر عباسیان، بجنورد گذرگاه شمالی خراسان، مشهد: انتشارات اردشیر، چ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۳۷.
۳. همان، ص ۱۶۱.
۴. همان، ص ۱۶۲.
۵. سلطان زاده، حسین، تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۴۶-۴۷.
۶. همان، ص ۲۳.
۷. همان، ص ۴۶-۴۷.
۸. همان، ص ۲۳.
۹. سردار مفخم در زمان ساخت مقبره‌اش این کاشی‌ها را از مقبره علی بن مهزیار واقع در جاجرم خارج ساخت و در مقبره خود جای داد. این کاشی‌ها در سال ۱۳۱۶ ه.ش توسط رئیس معارف بجنورد به اداره معارف و اوقاف خراسان تحویل شد و اکنون در «گنجینه هنرهای اسلامی» تهران به شماره ثبتی ۳۲۷۸ نگهداری می‌شود. زمینه این کاشی‌ها به رنگ فیروزه‌ای تیره و خطوط روی آنها از نوع ثلث و به رنگ سیاه است. این خطوط شامل آیه ۱۸ از سوره آل عمران و آیات ۲۵۵ و ۲۵۶ سوره بقره هستند.
۱۰. سیدی زاده، ص ۱۶۷.
۱۱. ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه خراسان، زیر نظر ایرج افشار، بی جا: انتشارات فرهنگ ایران زمین، ص ۹۷.
۱۲. بیت، چارلز ادوارد، سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، تهران: انتشارات یزدان، چ اول، ۱۳۶۵، ص ۱۸.
۱۳. سیدی زاده، ص ۱۰۸.
۱۴. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران (در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری) تهران: انتشارات زوار، چاپ پنجم، ج ۴، ۱۳۷۸، ص ۴۳۳-۴۳۲.
۱۵. سهام الدوله، یارمحمدخان و خاوربی بی شادلو، سفرنامه‌های سهام الدوله، به اهتمام قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ۱۳۷۴، ص ۴.
۱۶. همان، مقدمه.
۱۷. همان، ص ۶.
۱۸. همان.